**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و چهلم\_12آذر1399**

[تبیین و تفکیک مبنای کشف و حکم]

بعد از توضیح فرمایش شیخ اعظم قدس الله روحه، چند نکته را راجع به کشف و حکم عرض می کنیم:

نکته اول این است که اگر فرض کنیم مقدمات انسداد تمام شود، سوال: چه باید کرد با توجه به جود علم اجمالی به تکالیف؟ جواب این است که عقل حکم می کند به این که به ظنون مطلقا عمل کنیم، اما این حکم عقل منشأش چیست؟ از چه بابی است؟

یک نظر این است که عقل کشف می کند که شارع ظنون را در حال انسداد حجت قرار داده است.

یک مبنا این است که عقل با توجه به آن مقدمات خود حکم به حجیت ظنون می کند، پس در قول به کشف، عقل در مسند کاشفیت از شرع نشسته است در قول به حکومت در مسند حکم نشسته است.

در قول به کشف، عقل انشاء حجیت نمی کند، ولی بنابر قول به حکومت، عقل انشاء می کند حجیت ظنون را. همانطور که حکم می کند به حجیت علم، فی حال الانفتاح.

این معنای کشف و حکومت.

[اقسام سه­گانه امتثال]

نکتۀ دومی که عرض می کنیم این است که مقدمةً به این مطلب عنایت کنید که گاهی امتثال علمی تفصیلی است، شارع به من دستوری داده، من یقینا همان دستور شارع را عمل کنم به دون کم و کاست.

دوم امتثال اجمالی احتیاطی. یکی از دو دستور را به من داده، ولی من نمی دانم کدام است، هر دو را انجام می دهم تا یقین کنم آنچه را به ذمه داشته­ام انجام داده­ام، این می­شود امتثال اجمالی احتیاطی.

امتثال سوم هم امتثال ظنی است در جایی که راه علم بسته است.

حال مطلب دوم ما با توجه به این مقدمه این است، حکومتی ها که قائل هستند ظنون بنابر حکومت نحوه مرجعیتی دارند، این از چه بابی است، آیا از باب این است که ظن را مثل علم حجت می شمارند، و همان نقشی را که برای علم قائب هستند، برای ظنون هم قائل هستند.

آنچه از کلام شیخ اعظم قدس الله روحه استفاده کردیم این است که از آنجای که صلاحیت عقل درک حسن و قبح است نه حکم، حکم وظیفه شارع است، نهایتا عقل در چنین جایی درکی دارد، آن درکش چیست؟ این است که حال که امتثال علمی تفصیلی نیست چون انسداد است، حال که امتثال اجمالی احتیاطی عسر و حرج دارد در همه موارد، کلا بخواهیم احتیاط کنیم چه در مظنونات، چه در مشکوکات و چه در موهومات، حال که هر دو راه برای ما بسته است بیاییم تبعیض در احتیاط قائل بشیم. بگوییم احتیاط کلی ممکن نیست، اما تبعیض در احتیاط که ممکن است، ما بیاییم موهومات را کنار بگذاریم، مشکوکات را هم بحثش را کردیم که عده ایی گفته اند کنار بگذارید، به مظنونات عمل کنیم، نه اینکه ظن مرجعیت داشته باشد، نه از باب تبعیض در احتیاط.

[وجه تفاوت اطاعت ظنیه و تبعیض در احتیاط]

ان قلتَ فرق بین آنچه شما آن را در مقدمه اطاعت ظنیه نامید و انچه الان به نام تبعیض در احتیاط می نامید چیست؟

جواب: اگر ما گفتیم نتیجۀ مقدمات انسداد، تبعیض در احتیاط است، هر عملی را که انجام می دهیم به رجاء محبوبیت انجام می دهیم، احتمال می دهیم محبوب خداست. اما اگر گفتیم ظنون حجیت پیدا می کند این به عنوان خاص آن عمل، عمل انجام می شود نه از باب رجاء مطلوبیت.

به عبارت اخری می خواهیم بگوییم دو نوع اطاعت بیشتر نداریم،

1. اطاعت تفصیلیه
2. اطاعت احتیاطیه

اطاعت تفصیلیه بر دو قسم است:

1. علمیه
2. ظنیه

خود عمل را انجام می دهیم حال یا علما و یا ظنا

اطاعت احتیاطیه باز دو قسم است:

1. احتیاط کلی
2. احتیاط فی الجملة

احتیاط کلی این است که هم در دایرۀ مظنونات، هم مشکوکات، هم موهومات احتیاط کنیم.

احتیاط فی الجمله این است که فقط در دایره مظنونات احتیاط کنیم اما روح احتیاط است است که هر عملی را که انجام می دهی معلوم نیست این همان عملی باشد که شارع خواسته، به رجاء محبوبیت انجام می دهید عنوان به عمل نمی توان داد. این هم مطلب دوم که با ان توضیح آن فرمایشات شیخ اعظم در جلسات گذشته بهتر روشن بشود.

نکته سوم؛ عرض کردیم آنان که قائل به کشف هستند می گویند بعد از تمامیت مقدمات انسداد کشف می­کنیم که شارع ظنون را بر تکالیف واقعیه حجت قرار داده است، اثباتا و نفیا، اگر ما قائل به کشف شدیم، اطاعت ما می شود اطاعت تفصیلیه ظنیه، درست مثل آنجا که به ظنون خاص عمل می کنیم. بله بنابر انسداد اسم ظنون را می­گذاریم ظن مطلق چون ظن خاص یا نداریم یا خیلی کم داریم. ولی فرق عملی بین ظن خاص و ظن مطلق بنابر قول به کشف نخواهد بود.

[نتیجه قول به کشف و قول به حکومت عقل]

فتحصل از مطلب دوم و سوم این که اگر قائل به حکومت شدیم به ما این که عقل حکم ندارد و فقط درک دارد نهایتا قائل به اطاعت احتیاطی فی الجملة می شویم در مظنونات، نه این که ظنون را حکم به حجیتش کنیم اما اگر قائل به کشف شدیم می توانیم نحوه مرجعیتی برای ظنون مطلقه مثل ظن خاص قائل بشویم

این هم مطلب سوم ما.

[راز اختلاف میان قائلین به کشف و حکومت]

و اما مطلب چهارم؛ سر این که علماء انسدادی به دو گروه تقسیم می شوند، قائلین به کشف و قائلین به حکومت، چیست؟ منشا اختلاف کجاست؟

اختلاف از این جا ناشی میشود که ببینیم چرا احتیاط به نحوه گسترده واجب نیست. یکی از مقدمات انسداد یان بود که احتیاط به نحوه گشترده و شامل همه موارد واجب نیست. چرا؟

اگر بگوییم این احتیاط واجب نیست چون عسر و حرج می آورد و احتلال در نظام اجتماعی زندگی می آورد و این ها عقلا جایز نیست، پس عقل با توجه به مقدمات دیگر می گوید باید سراغ ظنون برویم البته با ان توضیحاتی که دادیم تبعیض در احتیاط تا انجا که عسر و حرج نباشد، مقتضای بقای تکلیف این است که از عهده خارج شوی تا انجا که عسر و حرجی نباشد، پس آن کسانی که می گویند احتیاط نه، اگر دلیلشان عسر وحرج و اختلال در نظام باشد، باید حکومتی شوند.

اما اگر گفتیم احتیاط کلی و همه جانبه لازم نیست چون یک اجماع تعبدی داریم بر لزوم احتیاط کلی، اجماع تعبدی است دیگر، نتیجه مقدمات انسداد می شود حجیت ظن از باب کشف، چرا؟ چون شارع باید خود راهی از احکامی که می خواهد بیان کند و از انجا که چنین اجماعی در کار نیست، و این مساله از مسائل مستحدثه است که در کلمات قدماء نبوده، یک اجماع کاشف از رای معصوم نداریم. بنابراین دلیل تعبدی بر عدم لزوم احتیاط نیست، همان عسر و حرجی است که بیان کردیم.

بناء علی هذا باید طبق مسلک قوم که پیش می­رویم -نه مسلک اضطرار- اگر بخواهیم انسادی بشویم باید قائل به حکومت باشیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.